

ویژگی زبان قرآن و نقش آن در تفسیر

مژگان جوانی^۱

چکیده:

از عوامل موثر بر تفسیر صحیح قرآن، آشنایی و شناخت زبان‌شناسی قرآن است. البته در مواردی به دلایل عدم شناخت ویژگی زبان قرآن، وجود اشتراک لفظی در برخی واژه‌ها، خلط معنای حقیقی از مجازی و عدم تفکیک معنای اصلی از ثانویه اختلافاتی هم بین مفسران بوجود آمده است. مقاله حاضر در صدد تبیین نقش زبان قرآن در تفسیر قرآن کریم است، در این راستا شناخت بیشتر زبان قرآن و توجه به شرایط اجتماعی نزول قرآن نکته کلیدی در فهم مضامین قرآن می باشد، که به تفسیر صحیح در آیات خواهد بود. این مقاله به شیوه کتابخانه ای و بهره مندی از روش توصیفی- تحلیلی پس از بررسی ویژگی زبان قرآن نموده است، از دستاوردهای آن می توان به کاهش تفسیر به رأی، نقد علمی تفاسیر و اصلاح ترجمه ها، شکل گیری نظریات جدید تفسیری، راه یابی به مطالعات میان رشته ای و امکان تفسیر آیات با بهره مندی از ویژگی های زبان قرآن، اشاره کرد.

کلیدواژه‌ها: زبان قرآن، تفسیر به رأی، فصاحت، تفکر، تحد

^۱ - طلبه سطح ۳ حوزه علمیه زینبیه کرج، رشته تفسیر و علوم قرآنی،

مقدمه

بی شک، زبان شناسی قرآن کریم علمی است که مفسران را برای پی بردن به مفاهیم دقیق آیات و تفسیر دقیق در آیات قرآن کریم فرامی خواند. از آنجایی که فهم درست قرآن کریم، متوقف بر آشنایی به زبان قرآن و روش های تفسیر است؛ توجه به بحث ویژگی های زبان قرآن اهمیت ویژه ای پیدامی کند. با وجود اینکه دسترسی برای آشنایی با ویژگی زبان قرآن در جامعه کنونی برای همگان میسر است؛ اما برخی از افراد بدون توجه به اهمیت ویژگی زبان قرآن اقدام به تفسیر آیات می کنند، و دچار تفسیر به رأی می شوند. از این رو، تحقیق حاضر، عهده دار پاسخگویی به این سؤال است که، ویژگی زبان قرآن چیست؟ و چه نقشی در تفسیر خواهد داشت.

زبان در کلام و ایجاد ارتباط فردی و اجتماعی بین افراد یک جامعه مورد نیاز همگان است. زبان علاوه بر استعداد های دیگری چون ادراک کمک بزرگی برای رساندن جهان بینی در انسان ها و تربیت دینی اسلامی و فهماندن کلام وحی می کند. از این رو، اهمیت ارتباط زبان با تفسیر آن به خوبی قبل درک هست، پرداختن به مسأله «زبان و تفکر» توجه قرآن پژوه را از دو جهت به قرآن کریم جلب می کند: یکی اینکه قرآن کتاب هدایت است و لازمه هدایت، روشنگری و سامان بخشی به کنش های انسان در ساحت مختلف، از جمله اندیشه و نطق است؛ که موجب تفسیر می شود. پس، انتظار او از قرآن برای پاسخ به این مسأله انتظاری بجاست؛ دیگر از این جهت که قرآن به عنوان منشور هدایت الهی ماهیتی زبانی و «خواندنی» (قرآن) دارد. و اینجاست که باز برای قرآن پژوه این سؤال برجسته می شود که رابطه زبان و هدایت انسان و از جمله هدایت او در اندیشه و شناخت

چیست؟ که خداوند متعال، برای هدایت انسان پدیده‌ای زبانی و یک خواندنی را برگزیده و بر ماهیت زبانی (قرآنی) که منجر به تفسیمی گردد، تأکید نموده است؟

زبان قرآن از همان صدر اسلام، مورد توجه مسلمانان بوده، که در قرن اول و دوم هجری به جنبه زیبایی آن از، زبان معصومین (علیه السلام) بیان شده است. و در قرن چهارم به اعجاز و زبان قرآن به طور خاص پرداختند. و در قرن پنجم به بیان بدایع زبان قرآن پرداختند. (فراسخواه، ۱۳۷۶، ۴۷). درباره پژوهش حاضر، پیشینه‌ای به طور خاص (یعنی رابطه میان تفسیر و زبان قرآن) در اختیار نداریم در سده اخیر کتاب‌ها و مقالات متعدد با عناوین نوعاً مشابه از قبیل «زبان و تفکر»، «اندیشه و زبان» و «رابطه زبان و فکر» عمدتاً از سوی متفکران اروپایی و اخیراً از سوی نویسندگان داخلی به صورت مستقل و گاه ذیل عناوین فرعی در آثار خود، نگاشته شده است. اما هیچ سابقه‌ای از پرداختن مستقل به این پرسش، در آثار قرآن پژوهان و مفسران دیده نمی‌شود، جز اینکه در ذیل برخی آیات، گریزی به این مسأله زده اما دیدگاهی جامع و تفصیلی ارائه نداده‌اند بلکه می‌توان گفت اساساً رابطه زبان و تفکری که موجب تفسیردرایات شود، همچنین مقاله «تحلیل زبان ادبی قرآن با تکیه بر نقدنظریه جدایی زبان ادبی از زبان عادی» نوشته حسومی، که نویسنده در این مقاله علاوه بر بررسی کارکردهای متفاوت زبان در قرآن، به اثبات ادبی بودن زبان قرآن پرداخته است، این مقاله رویکردی ادبی-قرآنی دارد. و از بیان ویژگی زبان قرآن در تفسیربحثی نکرده است. مقاله «زبان قرآن» نوشته باستانی که در آن به پژوهشی نظری در مورد نقش زبان به عنوان وسیله‌ای در برقراری ارتباط با مخاطب پرداخته، و از بیان نقش آن در تفسیرنوشته نشده است. جمشیدی راد نیز در مقاله «زبان و تفکر؛ رویکردی قرآنی، تحلیلی معناشناختی» به بررسی نقش زبان بر تفکر و تفکر بر زبان پرداخته است. همچنین جواد سلمان زاده نیز در پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان «فضای نزول، مبانی و پیش فرض‌ها» به اثبات مبانی فضای نزول پرداخته و اهمیت آن را در رفع برخی

ابهامات تفسیری و علمی بیان کرده؛ اما در بیان اینکه مانع از تفسیر به رای خواهد شد. برای ایشان به عنوان یک مسأله مطرح نبوده است؛ لذا با این عنوان در آثار آنان نتیجه‌ای حاصل نمی‌شود. باین وجود پژوهش‌هایی بصورت جدا درباره زبانشناسی قرآن مطرح شده از جمله کتاب: درآمدی بر روان‌شناسی زبان، استاینیرگ نویسنده این کتاب، پس از بررسی سه دیدگاه عمده در این باره، محکم‌ترین رابطه قابل فرض میان زبان و تفکر را برمی‌شمرد که نظام فکری ذهن، ریشه در منابعی دارد که از زبان متمایزند. به لحاظ پیشینه در مقاله (قایمی نیا، فصل ۹) تنها به اختصار به رابطه نشانه‌شناسی و تفسیر پرداخته؛ اما در بیان نقش زبان در تفسیر نپرداخته؛ و مقاله حاضر عهده‌داریان آن است.

مفهوم زبان در لغت، یعنی گفتار مخصوص یک ملت یا جماعت مثل زبان فارسی یا انگلیسی (دهخدا، ۱۳۷۳، ص ۱۱۱۳۰).

«زبان عضوی از اعضای بدن و نوعی توانایی است» (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، ص ۴۵۳).

طباطبایی زبان را لازمه حیات اجتماعی انسان معرفی می‌کند؛ «ارتباط لفظ و معنا، اعتباری است که الفاظ را علامت و جانشین معانی قرار می‌دهد. وقتی لفظی برای مخاطب بیان می‌گردد، در حقیقت معناست که بر او عرضه شده است. در مرتبه دیگر آدمی خط را نشان برای الفاظ می‌داند و خط مکمل بیان است» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹، ص ۹۵-۹۶).

با توجه به این تعاریف، می‌توان گفت زبان مجموعه بهم پیوسته‌ای است که اجزای آن با هم وابستگی تام دارند. که آنرا وسیله‌ای برای انتقال مقاصد خویش استفاده می‌کند. و در انسان، قدرت تفکر و استدلال را بالا می‌برد.

تفسیر در لغت یعنی، مقایس «فسر» کلمه واحدی است که بر بیان چیزی و توضیح آن دلالت دارد. بعضی گفته اند: فسر یعنی پرده برداری از چیزی که پوشیده شده و نیز گفته اند: به معنی پرده برداری از چیزی است که، پوشیده شده یا تفسیر، یا تفسیر، پرده برداری از لفظی مشکل است (طوسی، ۴۶۰، ج ۱۲، ص ۴۰۶). راغب

اصفهانی می گوید: فسر به معنی اظهار معنای معقول است. و مبالغه در فسر است (راغب اصفهانی، ۱۴۲۷، ۶۳۶). تفسیر روشن کردن مراد خداوند متعال از کتاب عزیز است. (خویی، ۱۳۶۸، ۱۳۹، ۳۹۷).

گاهی گفته می شود، تفسیر در لغت یعنی فسر (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۱۳۹۵) بعضی آنرا از ماده سفر گرفته اند (زرکشی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۶۳).

در بیان معنی اصطلاحی تفسیر، باید گفت: برخی گفته اند. نسخ و منسوخ و محکم و متشابه که مستقیماً با تفسیر ارتباط ندارد. علامه طباطبایی می گوید: تفسیر عبارت است از، بیان کردن معنای آیه های قرآن و پرده برداری از اهداف و مقاصد و مدلول آیات (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۷).

باتوجه به این مطالب باید گفت؛ زبان قرآن ناظر به شیوه تفهیم و تفاهم بادیگران است یعنی شیوه و سبک بیان قرآن در رساندن پیام، و اینکه خداوند در ارسال وحی و پیام هدایت از چه سبک و شیوه ای استفاده کرده، و به چه نحوی ارتباط ایجاد کرده است، و در خطابات خود چگونه مطالب را تفهیم می کند. (اعرابی، ۱۳۹۹، ۴۳).

با این مطالب باید گفت، معنای لغوی تفسیر که همان پرده برداری است، با معنای اصطلاحی آن مطابقی است. یعنی همان کشف مراد خداوند از آیات.

فیهما الہہ الا اللہ لفسدتا فسبحان اللہ رب العرش عما یصفون؛ اگر در آسمان و زمین جز خدا، خدایانی بود حتماً آسمان و زمین تباہ می شد پس پاک و منزہ هست پروردگار عرش از آن چہ وصف می کنند» (انبیاء، ۲۲). درجایی دیگر از طریق برہان تمناع توحید در الوہیت را اثبات می کند. «وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ إِذًا لَذَهَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَّي بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ؛ و معبودی نیست اگر چنین بود بہ قطع ہر الہی ہر چہ آفریدہ باخود می برد و بطور حتم بعضی از آنان بر بعضی دیگر تفوق می جست منزہ است خدا از آنچه وصف می کند» (مؤمنون، ۹۱).

در آیات دیگری بہ بحث انسان شناسی می پردازد. «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلاً ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشَدَّكُمْ ثُمَّ لَتَكُونُوا شُيُوخًا وَمِنْكُمْ مَنْ يَتُوفَى وَمَنْ قَبُلْ لَتَبْلُغُوا أَجْلاً مُّسَمًّى وَلَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ؛ او همان کسی است کہ شمارا از خاک آفرید سپس از نطفہ ای آنگاہ از علقہ ای و بعد شمارا کودکی بر آورد تا بہ کمال قوت خود برسید و تا پیر شوید و از میان شما کسی است کہ مرگ زود رس میابد و تا مدتی مہ معین است برسید امید است کہ بیاندیشید.» (غافر، ۶۷). قرآن کریم بارہا بامنکران و مخالفان مصاحبہ می کند و آنان را بہ اقامہ برہان فرامی خوند و می فرماید: «أَلَلَّهِ مَعِ اللَّهُ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ؛ ایامعبودی جز خداست اگر راست می گوید برہان خود را بیاورید» (نمل، ۶۴).

قرآن در آیات زیادی فلسفہ شریعت را بیان می کند و آن ہا را با تحلیلی فلسفی بہ واقعیت عینی استناد می دہد قرآن زیربنای دعوت ہا و آموزہ های خود را تنظیم روابط فردی و اجتماعی ، مادی و معنوی انسان بہ سوی قرب الہی می داند. بہ این ترتیب مفسران با معرفت داشتن از استدلال های آن می توانند در تبیین تفسیر عقلانی بہرہ ببرند. عقل پذیری معارف قرآن شاہدی بر معرفت بخشی زبان قرآن است.

نتیجه

بطورکلی دریک پژوهش علمی، آنچه نقش عمده را بیان می کند. تشخیص یک ساختارنظام منداست. درتفسیرقرآن نیز، آشنایی باساختارویژگی زبان قرآن ازاین قاعده مستثنی نیست. طوری که باآشنایی و معرفت نسبت به ویژگی زبان قرآن، می توان به نظریات جدیدی درتفسیردست یافت. وازمعطل تفسیربه رأی که بدون هیچ مبنایی ایجاد می شود، جلوگیری کرد. واین از مهم ترین نتایج این پژوهش هست. بابررسی های صورت گرفته به این نتایج، رسیدیم:

۱. فصاحت زبان قرآن؛ فصاحت درزبان قرآن که منجر به فهم آیات می گردد، منحصر به افراد خاص نبوده بلکه برای تمام افرادمعجزه است. واین از مهمترین ویژگی زبان قرآن به شمار می آید.

۲. گستردگی و همه جانبه بودن؛ زبان قرآن به گونه ای است که طبق آیه شریف قرآن قابل فهم برای هر قومی است. «بَلِّسَانَ قَوْمِهِ»: به زبان قوم خود. «لِيُبَيِّنَ لَهُمْ...»: مراد این است که تبلیغ کار پیغمبران، و هدایت کار خدا است.

۳. مراتب زبان قرآن؛ یکی از ویژگی های تربیتی قرآن کریم، تدریجی بیان کردن موضوعات است. اما حکمت این ویژگی دراین است که افراد، دارای سطح مختلفی از آمادگی برای پذیرفتن هدایت و تعلیمات رادرنند. که خداوند متعال به این اصل توجه کرده است.

۴. تفسیر قرآن به قرآن؛ یکی از راههایی است که برای فهم بطن آیات مفید است البته به میزان فهمی که مفسران به توجه به میزان دانش خود از ساختار و اصول تفسیر آگاهی دارند به آن دست میابند.

از آن جایی که زبان همان القای تصور در معناست و از طرفی معانی قرآن کریم هر کدام موید یکدیگرند، بنابراین، تفسیر قرآن با قرآن، با زبان قرآن رابطه دارد.

۵. دعوت به تفکر؛ خداوند متعال در قرآن کریم، همگان را به تفکر فراخوانده است یکی از نتایج مهم در تفکرات، رسیدن به تفسیری است که انسان در پاره ای از معلومات به آن دست می یابد، و از تفسیر به رأی جلوگیری می کند.

۶. نتایج ویژگی زبان قرآن: فصاحت در کلام آیات قرآن، گستردگی و همه جانبه بودن، مراتب زبان قرآن

۷. نتایج زبان قرآن در تفسیر: تفسیر قرآن به قرآن، تفکر، استدلال آوری قرآن.

فهرست منابع:

* قرآن کریم، ترجمه ابوالفضل بهرام پور.

* نهج البلاغه، محمددشتی.

منابع فارسی

۱. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۳، لغت نامه دهخدا، دانشگاه تهران، چاپ ۱، تهران.
۲. باطنی، محمدرضا (۱۳۷۳ش). زبان و تفکر. تهران: فرهنگ معاصر.
۳. حیدریان، محمود (۱۳۴۷ش). روان‌شناسی اجتماعی. تهران: پاد.
۴. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، الف قم، اسراء، ۱۳۸۴ش.
۵. رضوانی، روح‌الله، ۱۳۹۱ ه.ش، مبانی کلامی اعجاز قرآن، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)، محل نشر: قم - ایران.
۶. شریعتمداری، علی (۱۳۷۲ش). روان‌شناسی تربیتی. تهران: امیرکبیر.
۷. فراستخواه، مقصود، ۱۳۷۶، زبان قرآن، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۸. قایمی نیا، علی رضا، ۱۳۸۸، یولوژی نص، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

منابع عربی

۹. ابن عربی، محی‌الدین، بی‌تا، فتوحات مکیه (۴ جلدی)، بیروت، دار صادر.

۱۰. اعراب، لامحسنین، اسمرجعفری، ۱۳۹۹، چیستی و چگونگی و چرایی زبان قرآن کریم، پژوهشنامه قرآن وحدیث، شماره ۱۸.

۱۱. ابن عربی، محی الدین، ۱۳۷۰، فصوص الحکم، قم، الزهرا(س).

۱۲. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹، وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۹۰، موسسه آل البیت، قم.

۱۳. خویی، سید ابوالقاسم، ۱۳۶۸، اجودالتقریرات، تقریر بحث محمدحسین غروی نایینی، چاپ دوم، قم.

۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۰۴، المفردات فی غریب القرآن، دفتر نشر کتاب، بی جا.

۱۵. زرکشی، محمد بن بهادر، ۱۴۱۰، البرهان فی تفسیر القرآن، دارالمعرفه، چاپ اول، بیروت - لبنان.

۱۶.

۱۷. کبری، رضا (۱۳۷۸ش). «از بازی های زبانی تا باور ایمانی. نامه فلسفه». دفتر پژوهش های فرهنگی.

شماره هفتم. ۱۶۷-۱۸۸.

۱۸. طباطبائی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

۱۹. طوسی، محمد بن حسن، ۴۶۰، التهذیب، دارالکتب الاسلامیه، تهران - ایران.

۲۰. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۴ ق، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، بیروت، مؤسسه

الوفاء.

۲۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹، العین، موسسه دارالحجره، چاپ نهم، قم - ایران.